

گیلان فردا- شماره ۲۵- شهریور ۱۴۰۵

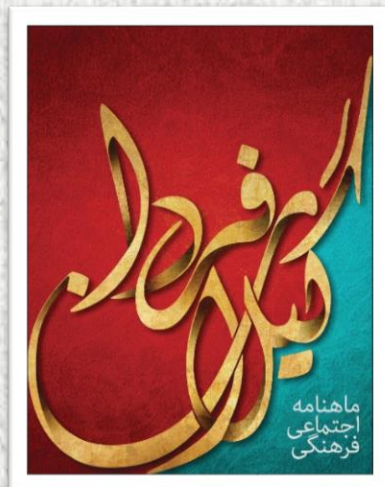
جای فقط نوشیدنی نیست

لزوم شروع یک سبک زندگی فعال

هنر در عصر هوش مصنوعی

خواهان جنگ نیستیم

زندگی در کنار رودخانه‌ای که دیگر زلال نیست





رسانه اجتماعی- فرهنگی گیلان فردا

(شماره ۲۵)

شهریور ۱۴۰۵

فهرست:

-جملاتی از قول سافار روانشناس ایتالیایی

-چای فقط نوشیدنی نیست

-لزوم شروع یک سبک زندگی فعال

-هنر در عصر هوش مصنوعی

-خواهان جنگ نیستیم

-زندگی در کنار رودخانه‌ای که دیگر زلال نیست

-۱۲ هزار کد نوسازی؛ برای حرکت به سوی شهر هوشمند

-دقیق و بهروز بودن آمار، زیربنای برنامه‌ریزی اثربخش است

-کارمند خوب؛ چرا ناگهان تبدیل به کارمند بی انگیزه می‌شود؟

-گیلان به سمت مدیریت منطقه‌ای پسماند می‌رود

عکس روی جلد: گیلان فردا (بندر انزلی)

عکس پشت جلد: گیلان فردا ()

دوره جدید مجله اجتماعی- فرهنگی گیلان فردا (آفلاین)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: رقیه (شهلا) ابراهیم زاده اصلی

دارای مجوز به شماره ۷۴۷۳۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

بشتیان سایت: شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات بیدسان

با تشکر از همکاران گروه تحریریه

Guilanfarda.ir

مسئولیت محتوای مطالب ارسالی به عهده صاحبان و ارسال کنندگان «
آثار است».

گیلان فردا- جملاتی از قول سافار روانشناس ایتالیایی

روزی که مجبور شویم زمین را تخلیه کنیم، من روی سیاره‌ی مسکونی جدید، عطر فروشی می‌زنم و از دلتنگی آدم‌ها کاسبی خواهم کرد.



عطر خاک باران خورده می‌فروشم،

عطر چمن کوتاه شده،

عطر زعفران و برنج،

عطر بازار خشکبار و ادویه،

بوی اقا قیا توی کوچه‌ها، در فصل بهار...

عطر انسانیت، عطر اخلاق، عطر مهربانی با هم‌نوعان...

و من فکر کردم که حالا که این عطرها به دفعات به طور رایگان در دسترس هستند، زندگی را آسان تر بگیرم و از آن‌ها استفاده کنم!

مخصوصاً عطر آدم‌هایی که نمی‌دانیم تا کی مجال بودن در کنارشان را داریم!

کفش‌هایم را می‌پوشم و در زندگی قدم می‌زنم

من زنده‌ام و زندگی

ارزش رفتن دارد.

آن قدر می‌روم تا صدای پاشنه‌هایم

گوش ناامیدی را کر کند

خوب می‌دانم که گاه کفش‌ها،

پاهایم را می‌زند، می‌فشرد و به درد می‌آورد

اما من همچنان خواهم رفت

زیرا زندگی ارزش لنگ لنگان رفتن را نیز دارد.

ماندن در کار نیست

گذشته‌های دردناک را رها می‌کنم و به آینده نامعلوم

نمی اندیشم

ولی این را میدانم؛

گذشته با آینده یکسان نیست.

زندگی نه ماندن است نه رسیدن

زندگی به سادگی رفتن است

به همین راحتی،

زندگی چقدر آسان است...

زندگی را می گویم،

اگر بخواهی از آن لذت ببری؛

همه چیزش لذت بردنی است...

اگر بخواهی از آن رنج ببری؛

همه چیزش رنج بردنی است...

کلید لذت و رنج دست توست

قصد داشتم دست اتفاق را بگیرم؟؟ تا نیفتد ! اما امروز فهمیدم که اتفاق خواهد افتاد!

و این ما هستیم که نباید با او بیفتیم...

(عکس از اینترنت)





چای فقط نوشیدنی نیست؛

روایت یک داستان عاشقانه است

گیلان فردا، شهلا ابراهیم زاده اصلی - با یک استکان چای موافق هستید؟

چای برای بسیاری از ما فقط یک نوشیدنی نیست؛ شبیه دوستی قدیمی و آشناست که در لحظه‌های مختلف زندگی کنارمان می‌نشیند؛ در شادی و غم، در تنهایی و جمع، در محل کار و سفر، در یک عصر بارانی یا میان دشتی سرسبز. کافی است عطر چای تازه‌دم در فضا بپیچد تا خستگی کمی از تنمان بیرون برود و حالمان اندکی بهتر شود.

حتماً شما هم تجربه نوشیدن یک استکان چای خوش‌رنگ، خوش‌عطر و گوارا را دارید؛ همان چایی که گاهی در سکوت نوشیده می‌شود، گاهی پای یک گفت‌وگوی طولانی و گاهی در میان خاطراتی که سال‌هاست در ذهن و دل ما مانده‌اند.

چای آن قدر با زندگی روزمره ما ایرانیان گره خورده که شاید گاهی حضورش را بدیهی و عادی بدانیم؛ اما اگر کمی دقیق‌تر نگاه کنیم، درمی‌یابیم که چای قصه‌ای فراتر از یک نوشیدنی ساده دارد. چای بخشی از فرهنگ، خاطره و سبک زندگی ماست؛ روایتی که گاهی از وصل و شوق می‌گوید و گاهی راوی هجر و دوری است و در بسیاری از لحظه‌ها، مرهمی برای جسم و جان خسته ما.

یک استکان چای برای خودمان

شاید بد نباشد گاهی چای را نه برای پذیرایی از دیگران، نه برای رفع خستگی و نه از سر عادت، بلکه فقط برای دل خودمان دم کنیم.

یک استکان یا فنجان چای خوش‌رنگ برای خودتان بریزید، جایی آرام بنشینید و چای را آرام‌آرام مزه کنید. بین هر جرعه کمی مکث کنید و اجازه دهید عطر و گرمای چای را حس کنید. برای چند دقیقه، همه‌چیز را کنار بگذارید و بگذارید این لحظه فقط میان شما و چای بگذرد.

شاید آن وقت متوجه شوید که یک استکان چای می‌تواند چیزی بیشتر از یک نوشیدنی باشد؛ می‌تواند فرصتی کوتاه برای مکث، نفس کشیدن و بازگشت به خود باشد.

اصلاً شاید نوشیدن چای، به‌خصوص چای عصرگاهی، به یک مراسم کوچک و دوست‌داشتنی نیاز داشته باشد؛ زمانی که از هیاهوی کارهای روزانه فاصله می‌گیریم، گلویی تازه می‌کنیم و به دنبال چند دقیقه آرامش هستیم.

چای کنار پنجره همیشه حال دیگری دارد؛ به‌خصوص اگر پنجره رو به طبیعتی زیبا باز شود. اما حتی اگر خبری از منظره‌ای چشم‌نواز هم نباشد، باز هم می‌توان پنجره را گشود، هوای تازه‌ای به ریه‌ها سپرد و جرعه‌ای چای داغ نوشید. گاهی همین اتفاق ساده، برای زدودن خستگی یک روز کافی است.

از یک عادت روزمره فراتر می‌برد و آن را به یک تجربه فرهنگی و حسی تبدیل می‌کند.

روایت زنان از دنیای چای

یکی از ویژگی‌های قابل توجه این رویدادها، حضور پررنگ زنان در شکل‌گیری و اجرای آن بود؛ موضوعی که به این برنامه‌ها هویتی متفاوت بخشید.

از یک سو، روایت و اجرای یک رویداد تخصصی چای بر عهده یک بانوی پژوهشگر و فعال این حوزه بود و از سوی دیگر، میزبانی و مدیریت چایخانه نیز بر عهده یک بانوی کارآفرین قرار داشت. همین حضور، فرصتی فراهم کرد تا پیوند میان چای، زنان، کارآفرینی و روایت تازه‌ای از فرهنگ چای در گیلان بیش از پیش دیده شود.

ساقی برومند، محقق چای و برگزارکننده این رویدادها، در گفت‌وگو با «گیلان فردا» درباره هدف برگزاری این برنامه‌ها می‌گوید: «در این رویداد تلاش کردیم چای را از یک نوشیدنی روزمره به یک تجربه فرهنگی و حسی تبدیل کنیم؛ از شناخت و ارزیابی حسی چای (Tea Tasting) تا تجربه و کشف ارتباط میان عطر، طعم و چای (Tea Pairing)»

او ادامه می‌دهد: «موضوع برای من صرفاً برگزاری یک کلاس چای نبوده و نیست؛ هدفم این است که چای را از یک نوشیدنی روزمره به یک تجربه فرهنگی و حسی تبدیل کنیم و درباره شناخت چای، ارزیابی حسی، عطر، طعم و ارتباط چای با فرهنگ و سبک زندگی صحبت کنیم».

بنیان‌گذار برند «چای گیلاناز» که سابقه مدیریت و فعالیت حرفه‌ای در حوزه باریستایی در رشت را نیز دارد، با اشاره به محورهای مورد توجه در این رویدادها می‌گوید:



وقتی چای، موضوع یک رویداد می‌شود

چندی پیش، دو رویداد با محوریت چای در روزهای ۱۸ و ۱۹ مردادماه در چایخانه ادهم برگزار شد؛ رویدادهایی که نشان دادند چای فقط یک نوشیدنی روزمره نیست، بلکه می‌تواند موضوعی برای شناخت، گفت‌وگو، تجربه و حتی روایت بخشی از فرهنگ و سبک زندگی ما باشد.

در این دو رویداد، موضوعاتی همچون شناخت دنیای چای، ارزیابی حسی چای (Tea Tasting) و هنر همراه کردن طعم‌ها با چای (Tea Pairing) مورد توجه قرار گرفت؛ موضوعاتی که نشان می‌دهند پشت یک فنجان چای، دنیایی از عطر، طعم، تجربه و دانش وجود دارد.

این رویدادها فرصتی فراهم کردند تا چای، به‌عنوان یکی از نوشیدنی‌های ریشه‌دار و محبوب جامعه ایرانی، از زاویه‌ای متفاوت مورد توجه قرار گیرد؛ نگاهی که چای را

«موضوع چای، زنان، کارآفرینی و شکل تازه‌ای از روایت فرهنگ چای در گیلان، از نکاتی بود که در این رویدادها مورد توجه قرار گرفت.»

از مزرعه تا فنجان

برومند که سال‌هاست در حوزه چای، غذا و نوشیدنی فعالیت و پژوهش می‌کند، درباره مسیر حرفه‌ای خود نیز توضیح می‌دهد: «سال‌هاست مسیر حرفه‌ای من بر پایه شناخت، پژوهش و روایت فرهنگ چای ایرانی شکل گرفته است؛ از مطالعه و بررسی چای تا تجربه عملی در دم‌آوری حرفه‌ای، آموزش فرهنگ نوشیدن چای و طراحی منو، بخشی از فعالیت‌ها و علاقه‌مندی‌های من در این حوزه بوده و هست.»

برای او، چای تنها برگ‌هایی خشک شده نیست که با آب جوش به نوشیدنی تبدیل شود؛ بلکه بخشی از زندگی و حافظه جمعی ما است.

او با تأکید بر اینکه «چای فقط یک نوشیدنی ساده نیست»، می‌گوید: «چای برای من بخشی از فرهنگ، حافظه، روایت و زیست روزمره ما است. امروز تلاش می‌کنم از "مزرعه تا فنجان"، روایت تازه‌ای از چای ایرانی ارائه دهم؛ روایتی ریشه‌دار در اصالت که هم‌زمان با نگاهی مدرن و تخصصی به دنیای نوشیدنی‌ها پیوند خورده است.»

شاید راز ماندگاری چای در زندگی ما نیز همین باشد؛ اینکه چای فقط طعم و عطر ندارد، بلکه خاطره دارد. بوی چای می‌تواند ما را به خانه مادر بزرگ ببرد، صدای قل‌قل کتری می‌تواند یادآور یک عصر خانوادگی باشد و بخار نشسته بر شیشه استکان، تصویری از یک صبح سرد یا یک عصر بارانی را در ذهنمان زنده کند.

چای در فرهنگ ما گاهی بهانه‌ای برای گفت‌وگوست، گاهی نشانه مهمان‌نوازی، گاهی همراه خلوت و گاهی هم‌نشین لحظه‌های دشوار.

شاید به همین دلیل است که وقتی می‌گوییم «یک استکان چای؟»، در واقع فقط یک نوشیدنی پیشنهاد نمی‌کنیم؛ گویی دعوت به چند دقیقه با هم بودن، آرام گرفتن و سهیم شدن در یک حس آشناست.

پس دفعه بعد که چای دم کردید، کمی آرام‌تر بنوشید. اجازه دهید عطرش در فضا پیچد، گرمایش را حس کنید و هر جرعه را با مکثی کوتاه همراه کنید.

شاید آن‌وقت بفهمیم چرا چای، با همه سادگی‌اش، این همه حرف برای گفتن دارد.

چای فقط نوشیدنی نیست؛ روایت یک داستان عاشقانه است؛ داستانی که از مزرعه آغاز می‌شود و در فنجان، در خاطره و در زندگی ما ادامه پیدا می‌کند.



عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی گیلان:

سالمندی؛ انقلاب خاموش، لزوم شروع یک سبک زندگی فعال



گیلان فردا، شهلا ابراهیم زاده اصلی- براساس پژوهش، سالمندان گیلان از سطح مطلوب سواد بدنی برخوردار نیستند.

داشتن سواد بدنی و سواد حرکتی از ضروریات اجتناب ناپذیر است تا دوران سالمندی با کیفیت تری را پیش رو داشته باشید. براساس اطلاعات موجود، فاز سالمندی جمعیت در ایران در سال ۱۴۳۰ رخ خواهد داد و ۲۰ درصد جمعیت کشور را افراد بالای ۶۵ سال تشکیل خواهند داد. در استان گیلان نیز، براساس آخرین آمارهای رسمی، نسبت سالمندی به ۱۳/۲ درصد رسیده است که بیشتر از میانگین کشوری ۹/۲ درصد است.

چهارمین نشست پژوهشی سال ۱۴۰۵ با عنوان «بررسی سواد حرکتی سالمندان استان گیلان و ارائه راهکارهای ارتقاء آن» در سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان برگزار شد.

در این نشست پژوهشی که با حضور مجید حسینی نثار، رئیس گروه پژوهش سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان، آذر خسروی، دبیر پژوهشی اداره کل ورزش و جوانان استان گیلان و جمعی از پژوهشگران و کارشناسان برگزار شد، در خصوص ضرورت توجه به سواد بدنی و سواد حرکتی در افراد سالمند بحث و تبادل نظر شد.

با یادآوری این نکته که پژوهش فوق در سال ۱۴۰۳ و به سفارش اداره کل ورزش و جوانان استان گیلان صورت گرفته است، گزیده هایی از مطالب ارایه شده در این نشست پژوهشی را در ادامه می خوانید.

افزایش بی تحرکی و بیماری به دلیل تغییر سبک زندگی

فهیمة ادیب صابر، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی گیلان، پژوهشگر و سخنران این جلسه با بیان اینکه سالمندی جمعیت یک پدیده مهم در سراسر جهان است، افزایش بی تحرکی به دلیل تغییر سبک زندگی و در پی آن افزایش بیماری ها را یک چالش برای جوامع برشمرد و گفت: داشتن اطلاعات درست در مورد سواد بدنی و سواد حرکتی یکی از موضوعات مهمی است که باید در آموزش و بهداشت عمومی جامعه مورد توجه قرار گیرد.

وی افزود: سواد بدنی یک مفهوم نوظهور است که ابعاد مختلف را ادغام کرده و به آن دیدگاهی جامع از رشد فیزیکی به عنوان یک ارتقا دهنده سلامت و بخشی از فرآیند یادگیری مادام العمر می دهد.

سالمندی؛ انقلاب خاموش

وی ادامه داد: پدیده سالمندی که به عنوان انقلاب خاموش از آن نام برده می شود، بر اساس تعریف محققان از سن ۶۰ الی ۶۵ سالگی آغاز می شود و از ویژگی های اجتناب ناپذیر زندگی است. دوره سالمندی، از دوران حساس زندگی افراد بوده و توجه به نیازها و مسائل این دوران، از ضرورت بسیاری برخوردار است. آنچه در سال های اخیر در زمینه سالمندی توجه محققان را به خود جلب کرده است، طولانی کردن این برهه از زندگی نیست، بلکه درصدد هستند شرایطی فراهم شود تا این دوران در نهایت سلامت جسمانی، روانی و آرامش سپری شود.

سواد بدنی؛ یکپارچگی توانایی های جسمانی، ادراکی

وی با بیان اینکه نتایج مطالعات نشان داده است که بیشتر از ۸۰ درصد سالمندان حداقل یک بیماری مزمن دارند و حدود ۷۰ درصد آن ها با چندین بیماری دست و پنجه نرم می کنند، سواد بدنی را عبارت از «انگیزه، اعتماد به نفس، شایستگی جسمانی، دانش و درک برای ارزش گذاری و به عهده گرفتن مسئولیت درگیر شدن در فعالیت های بدنی برای زندگی» قلمداد کرد و گفت: سواد بدنی به یکپارچگی توانایی های جسمانی، ادراکی، دانش، شناختی، روانی، اجتماعی و رفتاری اشاره دارد که بازتابی از یک سبک زندگی فعال، سالم و رضایت بخش ارائه می دهد. سواد بدنی می تواند از سالمندان در برابر بیماری های مزمن و ناتوانی محافظت کند. افرادی که سواد بدنی دارند بیشتر به ورزش یا فعالیت بدنی مادام العمر می پردازند، زیرا معتقدند که فعالیت بدنی می تواند به سلامت آن ها کمک کند. در طول زندگی نیز داشتن سواد بدنی برای افراد سالمند نسبت به افراد در سنین دیگر، حیاتی تر است.

فاز سالمندی جمعیت در ایران در سال ۱۴۳۰

وی گفت: بر اساس چشم انداز جمعیت جهان در سال ۲۰۱۹، شانزده درصد از مردم جهان تا سال ۲۰۵۰ افراد سالمند (بالای ۶۵ سال) خواهند بود که تقریباً دو برابر سال ۲۰۱۹ است. اطلاعات برگرفته از مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ نیز نشان می دهند که فاز سالمندی جمعیت در ایران در سال ۱۴۳۰ رخ خواهد داد و ۲۰ درصد جمعیت کشور را افراد بالای ۶۵ سال تشکیل خواهند داد. در استان گیلان نیز، نسبت سالمندی به ۱۳/۲ درصد رسیده است که بیشتر از میانگین کشوری است یعنی ۹/۲ درصد است. کم تحرکی در سراسر جهان، سالانه ۵۳/۸ میلیارد دلار هزینه مستقیم برای مراقبت های بهداشتی در بر دارد.

سالمندی سالم در گرو ارتقاء سواد بدنی

این پژوهشگر با بیان اینکه سازمان جهانی بهداشت (۲۰۱۵) مفهوم "سالمندی سالم" را با اشاره به توسعه و نگهداری از توانایی عملکردی و بهبود کیفیت زندگی در سنین بالاتر تعریف می کند، خاطرنشان کرد: با افزایش روند سالخوردگی در جامعه، ضروری است که سالمندی به یک فرآیند مثبت و فعال تبدیل شود. بنابراین، سالمندان نه تنها نیاز به پیشگیری و

کنترل بیماری‌های مزمن دارند، بلکه باید هم آن را کنترل کنند و هم فعالیت بدنی خود را افزایش دهند. توانایی انجام فعالیت بدنی منظم می‌تواند کیفیت زندگی افراد مسن را بهبود بخشد. بنابراین برای درک افزایش انجام فعالیت بدنی، ارتقاء سواد بدنی ضروری است.

لزوم شروع یک سبک زندگی فعال

افرادی که سواد بدنی بالاتر دارند، بیشتر احتمال دارد به ورزش یا فعالیت بدنی مادام‌العمر بپردازند، زیرا آن‌ها به این امر اعتقاد دارند و برای آن ارزش قائل هستند. برای افراد مسن تر، پرورش سواد بدنی به طور ویژه ضروری و بسیار مهم است، زیرا آن‌ها را قادر می‌سازد تا به طور موثر با چالش‌های جسمانی مرتبط با افزایش سن، آسیب و بیماری مزمن مواجه شوند، در نتیجه استقلال عملکردی را برای مدت طولانی حفظ کنند. بنابراین، شروع یک سبک زندگی فعال نه تنها استقلال فرد را حفظ می‌کند، بلکه به کلی کمک کننده است.

ضرورت افزایش سطح سواد بدنی در سالمندان

امروزه، یکی از اهداف علم تربیت بدنی و ورزش ایجاد جامعه و زندگی سالم از طریق افزایش فعالیت بدنی در دوره‌های مختلف زندگی افراد و ترویج سواد بدنی است. با توجه به افزایش نرخ سالمندی در ایران و به دنبال آن افزایش بروز بیماری‌های مزمن و افزایش هزینه‌ها در نظام سلامت، بالا بردن سطح سواد بدنی در رده سنی سالمندان جهت ارتقای سلامت جسمانی و روانی آن‌ها و بهبود کیفیت زندگی سالمندان بسیار مهم به نظر می‌رسد.

برخی از نتایج این پژوهش

وی در ادامه در خصوص نتایج حاصل از این پژوهش گفت: بر اساس نتایج و یافته‌های توصیفی تحقیق، میانگین سواد بدنی سالمندان استان گیلان ۱۷/۸۲ بود. به بیان دیگر، به طور کلی از سطح مطلوب سواد بدنی برخوردار نیستند. کیفیت سواد بدنی در افراد بالای ۶۰ سال، پایین ارزیابی شد. با توجه به مفهوم سواد بدنی، این یافته نشان می‌دهد که سالمندان از سبک زندگی فعال فاصله دارند. و این وضعیت می‌تواند آنان را در معرض تهدیدهای مختلف جسمی، روحی، روانی و حرکتی قرار دهد. بنابراین، ضرورت دارد مطالعات بیشتری به شناسایی و بررسی عوامل مرتبط با سواد بدنی در سالمندان اختصاص یابد. در ادامه نتایج، نشان داده شد که داشتن تحصیلات بالاتر با افزایش سواد بدنی ارتباط دارد که نشان دهنده افزایش آگاهی فرد و دارا بودن سواد سلامت می‌باشد. بالعکس، افرادی که از سطح پایینی از سواد بدنی برخوردار هستند، نه تنها از وضعیت سلامت ضعیف‌تری برخوردارند، بلکه توانایی کمتر در مدیریت بیماری‌های مزمن و آگاهی کمتر نسبت به مسائل بهداشتی دارا هستند و همچنین در خواندن و درک اطلاعات مربوط به بسته‌های دارویی یا فرم‌های بیمارستانی با دشواری بیشتری مواجه می‌شوند. این امر موجب افزایش طول مدت بیماری، تحمل هزینه‌های سنگین مراقبت‌های بهداشتی و کیفیت پایین زندگی در سالمندان می‌شود. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که بین سواد بدنی با خرده مقیاس‌های سلامت جسمانی، افسردگی و نمره کل سلامت روان سالمندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. اما بین سواد بدنی با اضطراب و اختلال در عملکرد اجتماعی سالمندان زن و مرد استان گیلان ارتباط مثبت و معناداری مشاهده نشد.

هنر در عصر هوش مصنوعی



گیلان فردا، ساناز فرزانه- به احتمال زیاد شما هم یکی از کاربران دنیای مجازی هستید که این روزها عنوان «هوش مصنوعی» را زیاد شنیده اید. و با تبلیغات مختلف در مورد استفاده از هوش مصنوعی، نحوه درست پرامپت نویسی برای دریافت پاسخ های بهتر و حرفه ای تر از AI و مباحثی از این دست مواجه شده اید. تا همین چند سال پیش، تصور اینکه یک ماشین بتواند در چند ثانیه تصویری خلق کند، شعری بسراید، موسیقی بسازد یا داستانی بنویسد، بیشتر شبیه داستان های علمی - تخیلی در فیلم ها بود. امروز اما هوش مصنوعی به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده و آرام آرام به

دنیای هنر نیز وارد شده است؛ حضوری که هم شگفت انگیز است و هم پرسش های تازه ای به همراه دارد.

اکنون کافی است چند جمله درباره یک تصویر بنویسیم تا هوش مصنوعی در مدت کوتاهی تصویری متناسب با آن بسازد. می توان از آن خواست یک قطعه موسیقی خلق کند، داستانی بنویسد یا حتی سبک های هنری مختلف را با یکدیگر ترکیب کند. این اتفاق، مرز میان فناوری و خلاقیت را بیش از هر زمان دیگری کم رنگ کرده است.

اما در برابر این توانایی، یک پرسش اساسی شکل می گیرد؛ اگر هوش مصنوعی می تواند اثر هنری تولید

کند، جایگاه انسان هنرمند یا هنر انسانی چه خواهد بود؟

پاسخ شاید در تفاوت میان «تولید کردن» و «آفرینش کردن» نهفته باشد.

صاحب نظران بر این باورند که هوش مصنوعی می تواند بر اساس حجم عظیمی از داده ها، الگوها را شناسایی و ترکیب کند و نتیجه ای تازه در اختیار ما قرار دهد. اما هنر فقط ترکیب رنگ ها، واژه ها یا صداها نیست. پشت یک اثر هنری، تجربه زیسته، خاطره، رنج، عشق، ترس، امید و نگاه شخصی هنرمند قرار دارد. یک نقاش ممکن است منظره ای را به تصویر بکشد، اما آن منظره برای او فقط مجموعه ای از رنگ ها نیست؛ شاید بخشی از

کودکی، خاطره یک انسان یا یادآور
اتفاقی فراموش نشدنی باشد.

نظر شما در این باره چیست؟ آیا
عنقریب هوش مصنوعی جای همه
چیز را خواهد گرفت؟!

هوش مصنوعی می‌تواند تصویری
از غروب بسازد، اما آیا خودش
غروب را دیده است؟

می‌تواند شعری درباره دلتنگی
بنویسد، اما آیا دلتنگ شده است؟

می‌تواند صدای اندوه را شبیه‌سازی
کند، اما آیا اندوه را تجربه کرده
است؟

این پرسش‌ها شاید تفاوت مهم
میان فناوری و هنر انسانی را آشکار
کنند. ماشین می‌تواند شکل و
ساختار احساس را بازسازی کند، اما
تجربه انسانی چیزی فراتر از
بازتولید یک الگو است.

با این حال، نباید ورود هوش
مصنوعی به هنر را فقط یک تهدید
دانست. فناوری‌های جدید می‌توانند
ابزارهای تازه‌ای در اختیار هنرمندان
قرار دهند. هنرمندی که پیش از این
برای اجرای یک ایده به زمان،
هزینه و امکانات زیادی نیاز داشت،
اکنون می‌تواند با کمک ابزارهای
هوش مصنوعی ایده خود را سریع‌تر

آزمایش کند. یک طراح می‌تواند
طرح‌های مختلف را بررسی کند،
یک فیلمساز می‌تواند پیش از تولید،
فضای یک صحنه را تصور کند و
یک نویسنده می‌تواند از هوش
مصنوعی برای ایده‌پردازی و بررسی
زوایای مختلف یک موضوع کمک
بگیرد.

در چنین شرایطی، شاید مسئله
اصلی این نباشد که «هوش
مصنوعی جای هنرمند را می‌گیرد یا
نه»، بلکه این باشد که هنرمند
چگونه باید از هوش مصنوعی
استفاده نماید؟

همان‌طور که دوربین عکاسی باعث
نابودی نقاشی نشد و پیدایش سینما
به پایان تئاتر نینجامید، احتمالاً
هوش مصنوعی نیز الزاماً به معنای
پایان هنر انسانی نیست. فناوری در
بسیاری از دوره‌های تاریخی، شکل
تولید و عرضه هنر را تغییر داده، اما
نیاز انسان به بیان احساسات و
تجربه‌هایش همچنان باقی مانده
است.

البته نگرانی‌های جی نیز وجود دارد.
یکی از مهم‌ترین آن‌ها مسئله
مالکیت فکری است. بسیاری از
سامانه‌های هوش مصنوعی با حجم
عظیمی از آثار موجود در اینترنت و

منابع دیگر آموزش دیده‌اند. لذا این
پرسش مطرح می‌شود که آیا
استفاده از آثار هنرمندان برای
آموزش این سامانه‌ها بدون رضایت
آنان، منصفانه است؟ همچنین اگر
اثری با کمک هوش مصنوعی تولید
شود، مالک واقعی آن چه کسی
است؟ سازنده ابزار، کاربری که
دستور تولید اثر را داده یا خود
سامانه؟

این پرسش‌ها هنوز پاسخ‌های ساده
و یکسانی ندارند و احتمالاً قوانین و
قواعد حرفه‌ای هنر در سال‌های
آینده ناچار خواهند شد خود را با این
واقعیت تازه هماهنگ کنند.

از سوی دیگر، ورود گسترده هوش
مصنوعی می‌تواند بازار هنر را نیز
تغییر دهد. اگر تولید یک تصویر یا
موسیقی در چند ثانیه و با هزینه‌ای
اندک امکان‌پذیر باشد، ارزش
اقتصادی بسیاری از آثار تولیدشده
به روش‌های سنتی ممکن است
تحت تأثیر قرار گیرد. در چنین
شرایطی، شاید آنچه بیش از گذشته
ارزش پیدا کند، نه صرفاً «محصول
نهایی»، بلکه هویت، تجربه، اصالت
و داستان پشت آن اثر باشد.

در آینده ممکن است مخاطب بیش
از آنکه بگوید «این اثر چقدر

زیباست» پرسد: «چه کسی آن را خلق کرده؟ چرا خلق شده؟ چه تجربه‌ای پشت آن قرار دارد؟»

این پرسش‌ها می‌تواند هنر انسانی را دوباره به سمت چیزی ببرد که هوش مصنوعی به آسانی نمی‌تواند جایگزین آن شود؛ و آن تجربه زیسته انسان است.

شاید در عصر هوش مصنوعی، هنرمند بیش از گذشته نیازمند داشتن نگاه شخصی خود باشد. مهارت فنی به تنهایی کافی نخواهد بود؛ زیرا ماشین می‌تواند بسیاری از مهارت‌های فنی را با سرعتی چشمگیر انجام دهد. آنچه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، ایده، نگاه، انتخاب، تجربه و توانایی روایت کردن جهان از زاویه‌ای منحصر به فرد است.

از این منظر، هوش مصنوعی می‌تواند یک رقیب باشد، اما می‌تواند یک همکار نیز باشد. همه چیز به نحوه استفاده انسان از آن

بستگی دارد. اگر هنرمند صرفاً دکمه‌ای را فشار دهد و نتیجه آماده را بپذیرد، نقش خلاقانه او کاهش پیدا می‌کند. اما اگر از هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار برای کشف، تجربه و گسترش ایده‌های خود استفاده کند، این فناوری می‌تواند به بخشی از فرایند خلاقیت تبدیل شود.

شاید آینده هنر، نه «هنر انسانی در برابر هنر ماشینی»، بلکه ترکیبی از توانایی‌های هر دو باشد؛ ماشینی با قدرت پردازش و تولید گسترده، در کنار انسانی که تجربه، معنا، احساس و انتخاب دارد.

در نهایت، هوش مصنوعی هر قدر هم پیشرفته شود، یک نیاز اساسی انسان را از بین نمی‌برد: نیاز به خلق کردن و معنا دادن به جهان.

انسان هزاران سال است که از طریق نقاشی، موسیقی، شعر، داستان، تصویر و ... تلاش کرده است بگوید «من اینجا هستم،

این گونه می‌بینم و این گونه احساس می‌کنم». شاید ابزارها تغییر کنند، اما این میل همچنان باقی خواهد ماند.

بنابراین، پرسش آینده هنر شاید این نباشد که «آیا هوش مصنوعی هنرمند را حذف می‌کند؟» بلکه پرسش مهم‌تر این است؛

در جهانی که ماشین می‌تواند تقریباً هر چیزی را تولید کند، انسان چه چیزی برای گفتن دارد؟

پاسخ به همین پرسش، احتمالاً مسیر هنر در عصر هوش مصنوعی را مشخص خواهد کرد.

و شاید ارزشمندترین هنر آینده، هنری باشد که با وجود استفاده از پیشرفته‌ترین فناوری‌ها، هنوز ردپای یک انسان را در خود داشته باشد؛ انسانی که دیده، تجربه کرده، رنج کشیده، دوست داشته، انتخاب کرده و در نهایت، چیزی برای گفتن داشته است.

(تصاویر از اینترنت)





معاون اجرایی رئیس‌جمهور

در شورای برنامه ریزی و توسعه استان گیلان:

خواهان جنگ نیستیم

گیلان فردا، شهلا ابراهیم زاده اصلی-معاون اجرایی رئیس‌جمهور در شورای برنامه ریزی و توسعه استان گیلان گفت: در صورت جنگ از کشور دفاع می‌کنیم، اما اگر موضوعی با دیپلماسی و گفت و گو حل شود، خواهان جنگ نیستیم.

گرامیداشت یاد شهدا

سومین جلسه شورای برنامه ریزی و توسعه استان عصر روز چهارشنبه (۴ شهریور) و همزمان با سومین روز از هفته دولت با حضور دکتر قائم پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، دکتر هادی حق شناس، استاندار گیلان، دکتر محمد علیجانی، رئیس مجمع نمایندگان گیلان، مهندس علیرضا نورانی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی گیلان و جمعی از روسا، مدیران دستگاه‌های اجرایی و نمایندگان در سالن غدیری استانداری برگزار شد.

در این جلسه با تبریک هفته دولت، یاد همه شهدای والامقام از جمله شهیدان رجایی و باهنر گرامی داشته شد.

رتبه دوم تعداد پزشک، رتبه بیست و چهارم تخت بیمارستانی

دکتر قائم پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور در شورای برنامه ریزی و توسعه استان گیلان با اشاره به شاخص‌هایی از نمای کلی وضعیت اقتصادی استان و همچنین سرانه خدمات بهداشتی، آموزشی، آب، راه و ... گفت: هر ایرانی باید یک پزشک مخصوص خانواده داشته باشد و لازم است استاندار از استقرار نظام ارجاع در استان حمایت کنند.

وی با اشاره به تعداد خانه‌های بهداشت در روستاهای استان، برخورداری و استفاده بهینه در روستا و شهر از خدمات بهداشتی عادلانه را مهم خواند و گفت: گیلان، رتبه دوم در تعداد پزشک اما رتبه بیست و چهارم در تخت بیمارستانی را دارد که لازم است این شکاف جبران شود.

دانایی مقدمه توانایی

معاون اجرایی رئیس‌جمهور تامین فضای آموزشی مناسب در راستای تحقق عدالت آموزشی در کشور و استان را بسیار مهم خواند و گفت: اگر فرزندانمان را دانا کنیم قطعاً توانایی نیز به تبع دانایی بوجود خواهد آمد و نمونه بارز این توانمندی در جنگ رمضان و جنگ ۱۲ روزه نمود پیدا کرد و فرزندان غیور کشور با دانایی و توانایی در وزارت دفاع، ارتش و سپاه توانستند

زیرساخت های کشور را در این بخش تقویت کرده و در رویارویی با دشمن موفق عمل نمایند. بنابراین زیرساخت و زیربنای توسعه کشور از طریق آموزش و خردمندی تقویت می شود.

وی اظهار امیدواری کرد با برنامه ریزی و حمایت، دانش آموزان جا مانده از تحصیل نیز به مدرسه بازگشته و به تحصیل علم و دانایی ادامه دهند.

ناترازی انرژی

وی با اشاره به وضعیت کشاورزی و منابع آبی استان و ضرورت بهره وری در این حوزه، در خصوص ناترازی برق در کشور و خاموشی های اخیر، تصریح کرد: به رغم حمله دشمن به نیروگاه ها در جنوب و آسیب بعضی از آن ها، تلاش می شود خاموشی به حداقل برسد اما لازم است از طریق توسعه انرژی های تجدید پذیر توان خود را در این بخش افزایش دهیم.

توهمات ترامپ

وی در ادامه و در بخش دوم صحبت های خود به دیپلماسی و سیاست خارجی دولت اشاره کرد و با تاکید براینکه در صورت جنگ از کشور دفاع می کنیم، گفت: اما اگر موضوعی با دیپلماسی و گفت و گو حل شود، خواهان جنگ نیستیم.

وی با بیان اینکه از اولین روز تحویل گرفتن دولت با به شهادت رسیدن اسماعیل هنیه، با یک جالش جدی مواجه شدیم، افزود: البته از اول انقلاب با امریکا در جنگ ترکیبی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بوده ایم چون امریکا می خواهد ایران را ببلعد، نفت ما را ببلعد. مثل بعضی از کشورها، که به میزان زیاد نفت شان فروش می رود ولی پول فروش نفت شان بلوکه است و قادر نیستند مخارج کشورشان را تامین کنند.

وی در ادامه ضمن برشمردن صحبت های ترامپ در مقاطع مختلف جنگ ۱۲ روزه، جنگ رمضان و تا امروز، آن را ناشی از توهمات رئیس جمهور امریکا دانست و گفت: از اینکه نتوانستند ما را تسلیم کنند به شدت عصبانی هستند.

کنار گذاشتن تسویه حساب شخصی

به نقل از روابط عمومی استانداری گیلان قائم پناه با اشاره به جنگ ۱۲ روزه و تحولات اخیر اظهار کرد: ایران در جنگ ۱۲ روزه و رمضان ایستادگی کرد و پیروز شد و با وجود فشارها و توطئه های مختلف، مسیر خود را ادامه داد.

وی با بیان اینکه امریکا به دنبال ضربه زدن به ایران و منابع آن است، افزود: ایران طی ۴۷ سال گذشته در برابر تحریم ها، فشارها و توطئه های مختلف ایستادگی کرده است.

معاون اجرایی رئیس جمهور ادامه داد: مردم ایران در سال های اخیر با جنگ و حوادث مختلف مواجه شدند، اما با تاب آوری مردم، تلاش نیروهای مسلح، ظرفیت های ایجاد شده در ساختار دفاعی کشور و تدبیر دولت، کشور توانست مسیر خود را ادامه دهد.

قائم‌پناه با تأکید بر ضرورت کنار گذاشتن تسویه‌حساب‌های شخصی و توجه به منافع ملی گفت: در صورت جنگ، از کشور دفاع خواهیم کرد و برای دفاع آماده‌ایم، اما نمی‌خواهیم همسایگان خود را از دست بدهیم.

وی با اشاره به جایگاه رهبری در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور اظهار کرد: موضوع جنگ و صلح طبق قانون در اختیار رهبر معظم انقلاب بوده و خواهد بود.

معاون اجرایی رئیس‌جمهور با اشاره به شهادت رهبر شهید گفت: دشمن بزرگ‌ترین دارایی ایران را هدف قرار داد و رهبر شهید را به شهادت رساند و ما این موضوع را فراموش نخواهیم کرد.

عزت و سربلندی ایران

قائم‌پناه افزود: «یا لثارات الحسین» به معنای مقابله با ظلم و ایستادگی در برابر یزید است و هدف ما صرفاً شهید دادن نیست، بلکه عزت و سربلندی ایران اهمیت دارد.

وی با تأکید بر ضرورت حفظ وحدت و انسجام ملی خاطرنشان کرد: برای ساختن ایرانی آزاد، آباد و قوی باید وحدت و انسجام خود را حفظ کنیم و در مسیر تحقق منافع ملی گام برداریم.

معاون اجرایی رئیس‌جمهور در پایان گفت: حمایت از مظلومان غزه و لبنان ادامه خواهد داشت و خون رهبر شهید برای ما پیام ایستادگی در برابر ظلم و سر خم نکردن در برابر هیچ قدرتی است.



تاملی بر محیط زیست در زندگی شهری و روستایی

زندگی در کنار رودخانه‌ای که دیگر زلال نیست



هم می توانست از ماهی های تازه صید شده و سالم تهیه شود.

اما در دهه های اخیر چه ها که بر سر رودخانه های شهرمان نیامده! برخلاف کشورهای دیگر که عبور رودخانه از داخل شهر، یک مزیت فوق العاده برای ساکنان آن شهر محسوب می شود ولی این نعمت خدادادی در شهر رشت تبدیل به معضلی شده که سلامت شهروندان و جانداران را به خطر انداخته است.

آب شفافیت گذشته را ندارد

رودخانه هنوز همان رودخانه است؛ همان مسیر آشنایی که سال ها از کنار خانه ها، زمین های کشاورزی و روستاها گذشته و صدای آبش بخشی از زندگی مردم بوده

گیلان فردا، سارا فرزانه-برایم
باورکردنی نیست که بزرگترها می گویند زمانی از رودخانه های شهر رشت ماهی می گرفتند، ولی واقعیت دارد! می گویند آن روزها آب رودخانه تمیز و زلال بود و ماهیگیری در این آب نه تنها یک سرگرمی مفرح برای جوانان آن دوره بوده بلکه گاهی غذای خانواده

است. اما اگر کمی بیشتر نگاه کنیم، چیزی تغییر کرده است. آب دیگر آن شفافیت گذشته را ندارد. گاهی رنگش تیره است، گاهی بوی نامطبوعی از سطح آن بلند می‌شود و میان شاخه‌ها و سنگ‌های کنار رود، ردپای بطری‌های پلاستیکی، کیسه‌های زباله و پسماندهای رها شده دیده می‌شود.

برای مردمی که سال‌ها در کنار رودخانه زندگی کرده‌اند، این تغییر فقط یک مسئله زیست‌محیطی نیست؛ بخشی از خاطرات و کیفیت زندگی آنهاست که آرام‌آرام دستخوش تغییر شده است. رودخانه‌ای که روزگاری محل بازی کودکان، استراحت خانواده‌ها، آبیاری زمین‌های کشاورزی و پناه پرندگان و آبزیان بود، امروز در بسیاری از نقاط به مسیری برای عبور فاضلاب و انباشت زباله تبدیل شده است.

رودخانه فقط یک جریان آب نیست

رودخانه بخشی از حافظه یک سرزمین است. بسیاری از شهرها و روستاها در کنار رودخانه‌ها شکل گرفته‌اند، کشاورزی به آب آنها وابسته بوده و زندگی انسان و طبیعت برای قرن‌ها در کنار هم

ادامه داشته است. در گیلان نیز رودخانه‌ها همیشه یکی از عناصر اصلی طبیعت و زندگی مردم بوده‌اند؛ از رودخانه‌های بزرگ و شناخته‌شده گرفته تا جویبارها و مسیرهای آبی کوچک‌تری که در دل روستاها و زمین‌های کشاورزی جریان دارند.

اما امروز این رابطه قدیمی میان انسان و رودخانه با چالش‌های جدی روبه‌روست.

وقتی رودخانه به محل دفع پسماند تبدیل می‌شود

یکی از مهم‌ترین عوامل آلودگی رودخانه‌ها، ورود فاضلاب‌های خانگی، صنعتی و کشاورزی به منابع آبی است. در کنار آن، ریختن زباله در حاشیه رودخانه و تبدیل بستر و اطراف آن به محل دفع پسماند، آسیب دیگری است که آثار آن به‌سادگی قابل مشاهده است.

گاهی یک کیسه پلاستیکی که از پنجره خودرو به بیرون پرتاب می‌شود، بی‌اهمیت به نظر می‌رسد. یک بطری آب معدنی که در طبیعت رها می‌شود نیز شاید برای فردی که آن را دور انداخته، اتفاق مهمی نباشد. اما وقتی این رفتار هزاران بار تکرار شود، رودخانه به انباری بزرگ از زباله تبدیل خواهد شد.

مشکل فقط ظاهر رودخانه نیست. پلاستیک‌ها و مواد تجزیه‌ناپذیر می‌توانند سال‌ها در محیط باقی بمانند و به مرور به ذرات کوچک‌تر تبدیل شوند. مواد آلاینده نیز ممکن است وارد چرخه غذایی آبزیان شوند و در نهایت سلامت اکوسیستم و حتی انسان را تحت تأثیر قرار دهند.

از سوی دیگر، ورود فاضلاب به رودخانه می‌تواند میزان اکسیژن محلول در آب را کاهش دهد و شرایط نامناسبی برای ماهی‌ها، گیاهان و دیگر موجودات آبی ایجاد کند. رودخانه‌ای که نتواند زیست‌بوم خود را حفظ کند، دیر یا زود بخش مهمی از حیات اطراف خود را نیز از دست خواهد داد.

رودخانه آلوده، فقط مشکل طبیعت نیست

گاهی تصور می‌کنیم آلودگی رودخانه مسئله‌ای مربوط به محیط زیست است و ارتباط مستقیمی با زندگی روزمره ما ندارد. اما واقعیت چیز دیگری است.

آلودگی رودخانه می‌تواند بر کشاورزی، گردشگری، اقتصاد محلی، سلامت عمومی و حتی ارزش زمین‌ها و سکونتگاه‌های اطراف تأثیر بگذارد.

گیلان استانی است که بخش مهمی از جذابیت آن به طبیعت وابسته است. رودخانه‌ها، تالاب‌ها، جنگل‌ها، شالیزارها و سواحل، تنها عناصر طبیعی نیستند؛ آنها بخشی از ظرفیت اقتصادی و گردشگری استان نیز محسوب می‌شوند.

وقتی یک گردشگر در کنار رودخانه‌ای پر از زباله قرار می‌گیرد، تصویر او از طبیعت گیلان تغییر می‌کند. وقتی کشاورز با آبی مواجه می‌شود که کیفیت آن کاهش یافته، نگرانی او فقط درباره محیط زیست نیست؛ آینده محصول و معیشتش نیز مطرح است.

بنابراین حفاظت از رودخانه، در حقیقت حفاظت از بخشی از اقتصاد و آینده منطقه است. اما چه کسانی رودخانه را آلوده می‌کنند؟

سهم هر یک از ما در پاک‌ی یا آلودگی رودخانه‌ها

آلودگی رودخانه‌ها نتیجه مجموعه‌ای از عوامل است؛ از ضعف زیرساخت‌های مدیریت فاضلاب و پسماند گرفته تا فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی، ساخت‌وسازهای غیراصولی و البته رفتارهای روزمره مردم.

نمی‌توان همه مسئولیت را بر دوش شهروندان گذاشت و از ضعف زیرساخت‌ها چشم‌پوشی کرد. همان‌طور که نمی‌توان همه مشکلات را به عملکرد دستگاه‌های اجرایی نسبت داد و سهم رفتارهای فردی را نادیده گرفت.

رودخانه زمانی نجات پیدا می‌کند که مسئولیت میان همه تقسیم شود.

دستگاه‌های مسئول باید نظارت مؤثر داشته باشند، منابع آلاینده شناسایی شوند، فاضلاب‌ها مدیریت شوند و با تخلفات زیست‌محیطی برخورد جدی صورت گیرد. از سوی دیگر، مردم نیز باید بدانند که طبیعت، سطل زباله عمومی نیست و هر زباله‌ای که در حاشیه رودخانه رها می‌شود، ممکن است دوباره به شکل دیگری به زندگی خودمان بازگردد.

می‌توان از رودخانه مراقبت کرد

نجات رودخانه لزوماً همیشه با طرح‌های بزرگ و هزینه‌های سنگین آغاز نمی‌شود. گاهی از یک رفتار ساده شروع می‌شود؛ از اینکه زباله‌ای را در طبیعت رها نکنیم، از اینکه زباله‌ای را که دیگری انداخته برداریم، از اینکه در هنگام گردش در طبیعت، پسماند خود را با خود برگردانیم.

مدارس نیز می‌توانند نقش مهمی داشته باشند. اگر کودکان و نوجوانان از همان سال‌های نخست زندگی با مفهوم رودخانه، تالاب، جنگل و اهمیت آب آشنا شوند، حفاظت از طبیعت به یک رفتار روزمره تبدیل خواهد شد، نه یک شعار مناسبتی. فعالان اجتماعی و گروه‌های مردمی نیز می‌توانند با پاکسازی حاشیه رودخانه‌ها، آموزش شهروندان و مطالبه‌گری، حساسیت عمومی نسبت به این موضوع را افزایش دهند.

اما در کنار همه این اقدامات، یک نکته اساسی وجود دارد: پاکسازی رودخانه نباید جای پیشگیری از آلودگی را بگیرد.

ممکن است یک روز ده‌ها کیسه زباله از کنار رودخانه جمع‌آوری کنیم، اما اگر روز بعد دوباره همان حجم زباله وارد رودخانه شود، مشکل اصلی حل نشده است. پاکسازی لازم است، اما کافی نیست. باید منشأ آلودگی را پیدا کرد.

رودخانه‌ای برای نسل‌های بعد

شاید مهم‌ترین پرسش این باشد که چند سال دیگر، رودخانه‌های امروز چه وضعیتی خواهند داشت؟

آیا کودکان نسل آینده نیز می‌توانند کنار رودخانه‌ای بنشینند که آب زلالی دارد؟ آیا می‌توانند صدای آب را بشنوند، ماهی‌ها را در جریان رود ببینند و بدون نگرانی از آلودگی، طبیعت اطراف خود را تجربه کنند؟ پاسخ این پرسش تا حد زیادی به تصمیم‌های امروز ما بستگی دارد.

محیط زیست چیزی نیست که متعلق به یک نسل باشد و بتوانیم آن را مصرف کنیم و به نسل بعد تحویل دهیم. رودخانه‌ای که امروز آلوده می‌کنیم، فردا متعلق به فرزندان ما خواهد بود. همان‌طور که آب زلالی که امروز از آن بهره

می‌بریم، حاصل طبیعت و مراقبت نسل‌های پیشین است.

شاید لازم باشد یک بار دیگر به رودخانه‌های اطرافمان نگاه کنیم؛ نه فقط به عنوان بخشی از منظره، بلکه به عنوان موجودیتی زنده که بقای آن با زندگی ما پیوند خورده است.

رودخانه‌ای که دیگر زلال نیست، پیش از آنکه یک هشدار زیست‌محیطی باشد، یک پرسش بزرگ از ماست:

ما با طبیعت چه کرده‌ایم و قرار است چه چیزی برای آیندگان باقی بگذاریم؟

هنوز دیر نشده است. رودخانه‌ها اگر فرصت پیدا کنند، می‌توانند دوباره جان بگیرند. اما این بازگشت، از جایی آغاز می‌شود که انسان تصمیم بگیرد فقط تماشاگر آلودگی نباشد.

شاید روزی دوباره بتوانیم کنار رودخانه بنشینیم، صدای آب را بشنویم و به جای بوی فاضلاب و دیدن زباله‌های شناور، شفافیت آب و زندگی را ببینیم.

آن روز، رودخانه فقط زلال نشده است؛ رابطه ما با طبیعت نیز دوباره زلال شده است.

(عکس‌ها از اینترنت)



حسینی، شهردار خشکیجار:

۱۲ هزار کد نوسازی؛

زیرساخت ارزشمند خشکیجار برای حرکت به سوی شهر هوشمند



گیلان فردا- با توجه به اینکه پس از ورود هر ملک به محدوده شهری، به آن ملک یک شناسه تخصصی تعلق می گیرد به نام «کد نوسازی»، بنابراین برای ورود به شهرداری و ثبت هر نوع درخواست، ابتدا باید از کد نوسازی ملک خود اطلاع داشته باشید. به نقل از روابط عمومی شهرداری خشکیجار، جلسه بررسی و هماهنگی طرح ممیزی املاک و شهر هوشمند با هدف تکمیل و بهروزرسانی اطلاعات املاک، بهره‌گیری از ظرفیت داده‌های شهری و بررسی نقش این طرح در ایجاد درآمدهای پایدار شهرداری با حضور سید فخرالدین حسینی، شهردار خشکیجار برگزار شد.

در این نشست، با اشاره به وجود حدود ۱۲ هزار کد نوسازی در سامانه اطلاعاتی شهرداری، عنوان شد که بیش از ۸۵ درصد سطح شهر خشکیجار دارای کد نوسازی است؛ ظرفیتی ارزشمند که می‌تواند به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های اصلی برای اجرای طرح جامع ممیزی املاک و حرکت به سمت مدیریت هوشمند شهری مورد استفاده قرار گیرد. ممیزی املاک با تکمیل اطلاعات و ایجاد بانک جامع و به‌روز از وضعیت املاک، علاوه بر کمک به برنامه‌ریزی دقیق‌تر در حوزه شهرسازی و خدمات شهری، می‌تواند نقش مؤثری در شناسایی ظرفیت‌های درآمدی، بهبود فرآیند وصول عوارض و تقویت درآمدهای پایدار شهرداری داشته باشد.

در ادامه جلسه، بر آینده‌نگر بودن این طرح و ضرورت حرکت به سمت یکپارچه‌سازی اطلاعات املاک با سامانه‌های شهرسازی، درآمد، نوسازی و سایر خدمات شهری تأکید شد؛ رویکردی که می‌تواند فرآیندهای سنتی را کاهش داده و زمینه ارائه خدمات سریع‌تر، دقیق‌تر و شفاف‌تر به شهروندان را فراهم کند. هدف نهایی از اجرای این طرح، بهره‌گیری حداکثری از اطلاعات موجود و تکمیل داده‌های املاک برای ایجاد یک بانک اطلاعاتی جامع و پویا از شهر خشکیجار است؛ زیرساختی که در آینده می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی، برنامه‌ریزی توسعه شهری و تقویت منابع درآمدی پایدار شهرداری قرار گیرد. با توجه به برخورداری خشکیجار از پوشش بیش از ۸۵ درصدی کدهای نوسازی، این ظرفیت می‌تواند نقطه آغاز مناسبی برای تکمیل فرآیند ممیزی املاک و برداشتن گام‌های عملی در مسیر خشکیجار؛ شهر هوشمند و داده‌محور باشد.

لازم به یادآوری است خشکیجار یکی از شهرهای استان گیلان و مرکز بخش خشکیجار از توابع شهرستان رشت است. بخش خشکیجار با ۱۵ کیلومتر نوار ساحلی دارای بیشترین نوار ساحلی شهرستان رشت است. سواحل امین آباد، حاجی‌بکنده، امیربکنده، تالش محله، باغ محله، چپرپر دزمان و چپرپر پایین در مجاورت این شهر قرار دارند که جهت ورزش‌های آبی مانند قایقرانی و جت اسکی، شنا، فوتبال ساحلی و همچنین ماهیگیری و دیگر تفریحات، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

استاندار در دومین جلسه ستاد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ثبتی مینا ۱۴۰۵ گیلان:

دقیق و بهروز بودن آمار، زیربنای برنامه‌ریزی اثربخش است



گیلان فردا-استاندار گیلان با تأکید بر نقش آمار دقیق و بهروز در فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری کشور و استان گفت: اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۴۰۵ با رویکرد ثبتی مینا، زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام آماری پویا و گامی مهم برای ارتقای دقت اطلاعات جمعیتی کشور است.

دومین جلسه ستاد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ثبتی مینا ۱۴۰۵ استان گیلان، عصر روز شنبه (۲۱ شهریور) به ریاست دکتر هادی حق‌شناس، استاندار گیلان، و با حضور رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان و دبیر ستاد سرشماری استان و اعضای ستاد سرشماری، در سالن شهید انصاری استانداری گیلان برگزار شد.

رئیس مرکز آمار ایران و فرمانداران شهرستان‌های استان نیز به صورت برخط در این جلسه حضور داشتند.

برنامه‌ریزی درست در گرو داشتن آمار درست

دکتر هادی حق‌شناس، استاندار گیلان و رئیس ستاد سرشماری عمومی نفوس و مسکن ثبتی مینا ۱۴۰۵ استان، با تأکید بر اینکه مبنای تمامی برنامه‌ریزی‌های کشور، آمار و اطلاعات دقیق است، اظهار کرد: اگر آمار و اطلاعات از دقت و صحت لازم برخوردار نباشد، برنامه‌ریزی‌ها نیز به نتایج مطلوب و مورد انتظار منتهی نخواهد شد.

ایران در زمره ۲۰ کشور پرجمعیت جهان

وی با اشاره به جایگاه جمعیتی ایران در میان کشورهای جهان افزود: ایران کشوری پهناور و از جمله کشورهای پرجمعیت جهان است و بر اساس اطلاعات موجود، جمعیت ۷۵ کشور از مجموع ۱۹۵ کشور جهان، کمتر از پنج میلیون نفر است. بنابراین، با توجه به جمعیت ایرانیان خارج از کشور نیز، ایران در زمره ۲۰ کشور پرجمعیت جهان قرار دارد و از این رو، برخورداری از اطلاعات دقیق و بهروز جمعیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

ثبتي مبنا، تحول مهمي در نظام آماری

استاندار گیلان با بیان اینکه سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۴۰۵ با رویکرد ثبتي مبنا، تحول مهمي در نظام آماری کشور محسوب می‌شود، تصریح کرد: این رویکرد، گامی برای به‌روز شدن مستمر آمارهای کشور و فراهم شدن امکان دسترسی به اطلاعات دقیق‌تر برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است.

شکل‌گیری پایگاه‌های داده دقیق

حق‌شناس با اشاره به سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) طی دهه‌های گذشته، گفت: زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های ایجادشده در این حوزه امروز می‌تواند در جمع‌آوری، تجمیع و به‌روزرسانی اطلاعات و شکل‌گیری پایگاه‌های داده دقیق و مبتنی بر اطلاعات ثبتي مورد استفاده قرار گیرد.

توجه به شاخص‌های مهاجرت و اقامتگاه‌های دوم در گیلان

وی برخورداری از اطلاعات صحیح، جامع و به‌روز را لازمه برنامه‌ریزی اثربخش دانست و اظهار کرد: در استان گیلان، جمع‌آوری و ثبت دقیق اطلاعات مربوط به شاخص‌هایی همچون مهاجرت، اقامتگاه‌های دوم و سایر ویژگی‌های جمعیتی و سکونتی، اهمیت ویژه‌ای دارد و این اطلاعات می‌تواند نقش مؤثری در شناخت دقیق‌تر وضعیت استان و اتخاذ تصمیم‌های مناسب در فرآیند برنامه‌ریزی داشته باشد.

استاندار گیلان همچنین بر ضرورت تکمیل و به‌روزرسانی اطلاعات در حوزه‌های مختلف تأکید کرد و افزود: دستیابی به اطلاعات دقیق و ثبتي در بخش‌های مختلف از جمله صنعت، کشاورزی، آموزش و سایر حوزه‌ها، برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری صحیح ضروری است.

ضرورت همکاری دستگاه‌های اجرایی

حق‌شناس در پایان، موفقیت سرشماری ثبتي مبنا را نیازمند همکاری و هماهنگی همه دستگاه‌های اجرایی دانست و گفت: تحقق اهداف این طرح، مستلزم همکاری دستگاه‌ها در تکمیل و به‌روزرسانی اطلاعات و همچنین همکاری مدیران شهرستانی و فرمانداران با ستاد سرشماری استان است.





کارمند خوب؛

چرا ناگهان تبدیل به کارمند بی انگیزه می شود؟

گیلان فردا- حتما شما هم بارها از زبان افراد مختلف شنیده اید که نمی توانند در محیط های رسمی اداری و کارمندی کار کنند. البته بخشی از این بی علاقگی مربوط به شخصیت فرد، بخشی مربوط به فضای خشک اداری و بروکراسی های زاید و بخشی دیگر نیز مربوط به حقوق های پایینی است که کفاف زندگی معمولی افراد را نمی دهد.

از سوی دیگر بارها دیده و شنیده ایم که فلان کارمند دیگر مثل قبل با انگیزه نبوده و از ارایه طرح و ایده های نو در محیط کار پرهیز می کند و یا دیگر در محیط کار بشاش و سرزنده نیست. حال این سوال مطرح می شود که چه اتفاقی می افتد که یک کارمند ساعی، کوشا، علاقمند و پرتوان پس از چندی، تبدیل به یک کارمند بی انگیزه و منفعل می شود؟!

وقتی یک نفر همیشه کارش را درست انجام می دهد، طبیعی است که مدیر برای پروژه بعدی هم سراغ همان فرد برود: یک بار، دو بار و چند بار. اما همین ویژگی مثبت می تواند به یک مشکل تبدیل شود...

به نقل از عصر ایران؛ گاهی یک کارمند خوب، یعنی همان کسی که همیشه زودتر از دیگران کارش را تحویل می دهد، برای حل مشکلات پیش قدم می شود و لازم نیست مدیر مدام پیگیر کارهایش باشد، ناگهان تغییر می کند.

کمتر حرف می زند، کمتر ایده می دهد، دیگر برای انجام کارها هیجان سابق را ندارد و حتی ممکن است شروع به شمردن روزه های باقی مانده تا پایان ساعت کاری کند.

اولین واکنش مدیران در چنین شرایطی معمولاً این است: «انگیزه اش را از دست داده».

اما احتمالاً سوال مهم تری وجود داشته باشد: چه چیزی انگیزه او را گرفت؟

پژوهش های رفتار سازمانی نشان می دهند که انگیزه و مشارکت کارکنان فقط به ویژگی های شخصیتی آن ها وابسته نیست. شرایط کار، میزان فشار، منابعی که در اختیار فرد قرار می گیرد، میزان اختیار او و کیفیت رابطه با مدیر می توانند در فرسودگی، بی انگیزگی و مشارکت شغلی نقش مهمی داشته باشند. مدل شناخته شده «تقاضاها و منابع شغلی» نیز محیط کار را از همین زاویه بررسی می کند: از یک سو فشارها و خواسته های شغلی و از سوی دیگر منابعی که به کارمند برای انجام درست کار کمک می کنند.

وقتی کار بیشتر می شود اما اختیار نه

یکی از ساده ترین راه ها برای از بین بردن انگیزه یک کارمند خوب، اضافه کردن مداوم وظایف بدون افزایش اختیار و منابع است.

کارمند ابتدا ممکن است با اشتیاق مسئولیت جدید را بپذیرد. حتی ممکن است آن را نشانه اعتماد مدیر بداند. اما اگر این روند ادامه پیدا کند، شرایط تغییر می کند. وظایف بیشتر می شوند، زمان همان زمان قبلی است، نیروی کمکی وجود ندارد و در عین حال انتظار مدیر برای نتیجه گرفتن کاهش نمی یابد.

در چنین شرایطی، کارمند ممکن است هنوز کارهایش را انجام دهد، اما دیگر همان انرژی قبلی را برای آن ها نداشته باشد. این تفاوت مهم است: ممکن است کارمند هنوز «حاضر» باشد، اما دیگر «درگیر» کار نباشد.

پژوهش های مربوط به مدل تقاضاها و منابع شغلی نیز نشان داده اند که فشارهای شغلی بیشتر با فرسودگی ارتباط دارند و کمبود منابع شغلی می تواند با فاصله گرفتن فرد از کار همراه شود.

کارمند خوب همیشه بیشتر کار نمی کند

یک اشتباه رایج در مدیریت این است که کارمند توانمند به تدریج به محل تخلیه تمام کارهای اضافه سازمان تبدیل می شود. وقتی یک نفر همیشه کارش را درست انجام می دهد، طبیعی است که مدیر برای پروژه بعدی هم سراغ همان فرد برود: یک بار، دو بار و چند بار.

اما همین ویژگی مثبت می تواند به یک مشکل تبدیل شود. کارمند خوب ممکن است به جای اینکه به خاطر عملکرد مناسبش فرصت رشد، اختیار بیشتر یا پاداش دریافت کند، صرفا کار بیشتری دریافت کند.

در این حالت، سازمان عملا یک پیام خطرناک به او می دهد: «هرچه بهتر کار کنی، کار بیشتری نصیب می شود».

اگر چنین پیامی بارها تکرار شود، ممکن است انگیزه فرد برای عملکرد فراتر از حداقل مورد انتظار کاهش می یابد.

وقتی تلاش دیده نمی شود

انسان ها فقط برای دریافت حقوق کار نمی کنند. احساس دیده شدن، احترام و قدردانی نیز بخشی از تجربه کاری است.

این به معنی آن نیست که هر کارمندی باید بعد از هر پروژه مورد تشویق قرار بگیرد. اما وقتی تلاش های مستمر یک فرد برای مدت طولانی نادیده گرفته می شود، ممکن است رابطه روانی او با کار تغییر کند. یک پژوهش درباره نقش «شناخت و قدردانی حرفه ای» نشان داد که تجربه احترام، توجه و قدردانی از سوی مدیران و همکاران با سطوح پایین تر فرسودگی شغلی ارتباط دارد.

بنابراین گاهی مسئله این نیست که کارمند دیگر علاقه ای به کار ندارد؛ مسئله این است که دیگر احساس نمی کند تلاش بیشتر، تفاوتی ایجاد می کند.

مدیری که برای کوچک ترین تصمیم ها دخالت می کند، روش انجام هر کار را تعیین می کند و به کارمند اجازه نمی دهد درباره نحوه انجام مسئولیتش تصمیم بگیرد، ممکن است تصور کند در حال مدیریت دقیق است. اما کنترل بیش از حد می تواند نتیجه معکوس داشته باشد.

اعتماد به کارمند بخشی از مدیریت است

یک فراتحلیل گسترده که ۷۲ مطالعه و بیش از ۳۲۰۰۰ نفر را بررسی کرده است، نشان داد حمایت مدیر از استقلال کارکنان با انگیزه خودمختار، رفاه و رفتارهای مثبت کاری ارتباط دارد و با پریشانی روانی رابطه منفی دارد.

به زبان ساده، کارمند باید بداند چه نتیجه ای از او انتظار می رود، اما لازم نیست برای رسیدن به آن نتیجه، تک تک حرکاتش توسط مدیر تعیین شود. اعتماد به کارمند بخشی از مدیریت است، نه نقطه مقابل مدیریت.

حقوق مهم است، اما همه چیز نیست

وقتی از بی انگیزگی کارکنان صحبت می کنیم، معمولاً اولین پاسخ این است: «حقوقش را زیاد کنید».

حقوق قطعاً مهم است و نمی توان نقش آن را نادیده گرفت. اما مسئله انگیزه پیچیده تر از عدد فیش حقوقی است.

اگر کارمند حقوق مناسبی دریافت کند اما دائماً تحت فشار باشد، اختیار نداشته باشد، فرصت رشد نداشته باشد یا احساس کند با او منصفانه رفتار نمی شود، افزایش حقوق به تنهایی لزوماً مشکل را حل نمی کند. حتی پژوهش های مربوط به انگیزه و منابع شغلی نشان داده اند که رابطه میان منابع کاری و فرسودگی می تواند به کیفیت انگیزه فرد نیز وابسته باشد.

بنابراین مدیر باید به جای پرسیدن «چقدر پول بیشتر به او بدهیم؟» گاهی سوال های دیگری هم مطرح کند: آیا این فرد امکان رشد دارد؟ آیا اختیار کافی دارد؟ آیا می داند چرا این کار را انجام می دهد؟ آیا تلاش او دیده می شود؟

وقتی مسیر پیشرفت ناپدید می شود

یک کارمند ممکن است سال اول با انگیزه زیادی کار کند؛ مهارت یاد بگیرد، مسئولیت قبول کند و امیدوار باشد که در آینده موقعیت بهتری می یابد. اما اگر بعد از چند سال همچنان در همان نقطه باشد، در حالی که افراد جدیدتر به سرعت رشد می کنند، انگیزه او ممکن است کاهش پیدا کند.

این اتفاق به ویژه زمانی خطرناک است که سازمان از کارمند انتظار وفاداری و تلاش بیشتر داشته باشد، اما مسیر مشخصی برای رشد حرفه ای او ارائه نکند. کارمند در چنین شرایطی ممکن است به تدریج به این نتیجه برسد که تلاش بیشتر تاثیری بر آینده اش ندارد و وقتی ارتباط میان تلاش امروز و فرصت فردا از بین برود، انگیزه نیز می تواند آسیب ببیند.

بدترین اتفاق: کارمند هنوز کار می کند

یکی از خطرناک ترین نشانه های بی انگیزگی این نیست که کارمند استعفا بدهد؛ بلکه این است که بماند اما فقط به اندازه ای کار کند که اخراج نشود

او هنوز سر وقت می آید، پیام ها را پاسخ می دهد و وظایف رسمی اش را انجام می دهد، اما دیگر پیشنهاد جدیدی مطرح نمی کند، برای حل مشکلات داوطلب نمی شود و انرژی اضافه ای برای سازمان صرف نمی کند.

این وضعیت را می توان نوعی فاصله گرفتن از کار دانست. پژوهش های جدید درباره نظریه تقاضاها و منابع شغلی نیز فرسودگی را در برابر مشارکت شغلی قرار می دهند؛ مشارکت شغلی با انرژی، تعهد و غرق شدن در کار تعریف می شود، در حالی که فرسودگی با خستگی و بدبینی نسبت به کار همراه است.

آیا هر کارمند بی انگیزه ای قربانی مدیریت است؟

نه. این نکته هم مهم است که همه افت های عملکرد را نمی توان به مدیر یا سازمان نسبت داد. گاهی فرد مشکل شخصی دارد، شغل انتخابی اش برای او مناسب نیست، انتظاراتش تغییر کرده یا اساسا دیگر به آن نوع کار علاقه ندارد.

بنابراین مدیر نباید با دیدن افت عملکرد بلافاصله نتیجه بگیرد که خودش مقصر است. اما نباید برعکس، همه چیز را هم به گردن کارمند بیندازد.

بهترین واکنش، گفت و گو است. به جای جمله «چرا دیگر مثل قبل کار نمی کنی؟» می توان پرسید: «چه چیزی در شرایط کاری تو تغییر کرده؟»

همین سوال ساده ممکن است اطلاعاتی به مدیر بدهد که هیچ گزارش عملکردی نمی تواند نشان دهد.

کارمند خوب را قبل از رفتنش بشناسید

بعضی سازمان ها زمانی متوجه ارزش یک کارمند می شوند که استعفا یا او روی میز مدیر قرار گرفته است.

آن زمان معمولا تازه سوال ها شروع می شوند: چرا می خواهد برود؟ چه پیشنهادی دریافت کرده؟ چقدر حقوق بیشتری می گیرد؟ چه چیزی در شرکت ما دوست نداشت؟

اما بسیاری از این سوال ها باید خیلی زودتر پرسیده شوند. کارمند خوب لزوما یک روز صبح از خواب بیدار نمی شود و تصمیم نمی گیرد دیگر انگیزه نداشته باشد. در بسیاری از موارد، تغییر تدریجی است.

یک مسئولیت اضافه، یک مدیر کنترل گر، چند بار نادیده گرفته شدن، نبود فرصت رشد، فشار کاری مداوم و احساس بی عدالتی می توانند به مرور رابطه فرد با کارش را تغییر دهند. برای همین، مدیریت منابع انسانی فقط جذب افراد خوب نیست؛ حفظ شرایطی است که باعث می شود افراد خوب همچنان خوب بمانند.

مدیران چه کاری می توانند انجام دهند؟

راه حل لزوما پیچیده نیست.

مدیر باید ابتدا بفهمد مشکل از کجاست. آیا حجم کار زیاد شده؟ آیا منابع کافی وجود ندارد؟ آیا کارمند اختیار ندارد؟ آیا تلاش او دیده نمی شود؟ آیا مسیر رشدش مشخص نیست؟ آیا رابطه او با مدیر یا تیم دچار مشکل شده است؟ بعد باید میان «انتظار» و «منبع» تعادل ایجاد کند. اگر مسئولیت بیشتری داده می شود، اختیار یا منابع لازم نیز باید افزایش پیدا کند. اگر عملکرد بهتر انتظار می رود، باید بازخورد روشن وجود داشته باشد. اگر سازمان می خواهد افراد خلاق باشند، باید بخشی از اختیار تصمیم گیری را به آن ها بدهد.

پژوهش های حوزه انگیزش در محیط کار نیز بر اهمیت حمایت از نیازهای روانی کارکنان، از جمله احساس اختیار و شایستگی، تاکید دارند. حمایت مدیر از این نیازها با انگیزه خودمختار و پیامدهای مثبت کاری ارتباط داشته است .

آیا شرایطی ایجاد کرده ایم که این کارمند بتواند و بخواهد بهترین عملکردش را نشان دهد

در نهایت، مدیر خوب فقط نمی پرسد «آیا این کارمند کارش را انجام می دهد؟» سوال مهم تر این است: «آیا شرایطی ایجاد کرده ایم که این کارمند بتواند و بخواهد بهترین عملکردش را نشان دهد؟»

چون گاهی کارمند خوب، ناگهان بی انگیزه نمی شود. گاهی او فقط برای مدت طولانی در محیطی کار کرده که انگیزه اش را آرام آرام از بین برده است .





مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند گیلان در دومین کارگروه زیست توده مطرح کرد؛

گیلان به سمت مدیریت منطقه‌ای پسماند می‌رود؛

سرمایه‌گذاران نیازمند مشوق‌های جدید

گیلان فردا- یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های محیط زیستی در استان گیلان، مدیریت و دفع مناسب پسماند است .

مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند گیلان با اشاره به تولید روزانه ۲۲۰۰ تا ۲۵۰۰ تن زباله در استان، از تدوین الگوی جدید مدیریت پسماند در هشت پهنه خبر داد و گفت: برای ورود سرمایه‌گذاران به پروژه‌های کوچک‌مقیاس، مشوق‌های اقتصادی و حمایت دولت و مجلس ضروری است.

مرتضی عاطفی، مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند گیلان با اشاره به چالش‌های مدیریت پسماند در استان اظهار کرد: روزانه حدود ۲۲۰۰ تا ۲۵۰۰ تن زباله در گیلان تولید می‌شود که با ورود مسافران، این میزان افزایش می‌یابد.

وی افزود: رویکرد گذشته بر تمرکزگرایی و ایجاد مراکز بزرگ مدیریت پسماند استوار بود، اما در دوره جدید، تمرکززدایی و اجرای طرح‌های منطقه‌ای و کوچک‌مقیاس در دستور کار قرار گرفته است.

عاطفی از پیش‌بینی هشت پهنه برای مدیریت پسماند استان خبر داد و گفت: متناسب با ظرفیت هر منطقه می‌توان از روش‌هایی مانند تولید بیوگاز، استحصال انرژی و سایر فناوری‌های فرآوری پسماند استفاده کرد.

مدیر سازمان مدیریت پسماند گیلان همچنین با اشاره به سکونت حدود ۳۰ درصد جمعیت استان در روستاها، بر ضرورت مدیریت پسماند روستایی تأکید کرد و گفت: طرح «مدیریت یکپارچه پسماند روستایی» برای اجرا به‌صورت پایلوت در مقیاس دهستان تهیه شده است. وی در پایان خاطرنشان کرد: برای اجرای پروژه‌های کوچک‌مقیاس با ظرفیت‌هایی مانند ۱۵۰ و ۲۰۰ تن در روز، سرمایه‌گذار وجود دارد، اما ایجاد مشوق‌های اقتصادی و حمایت دولت و مجلس برای تحقق این طرح‌ها ضروری است .

(عکس از اینترنت)





گیلان فردا- رشت